

متن و ترجمہ

اصول کافی

ثقة الاسلام
محمد بن يعقوب كليني
(۳۲۹ق)



ترجمہ: مؤسسہ فرهنگي شمس الضحی



@kaflearn

سید الخیر السید

کتابُ الْعَقْلِ وَالْجَهْلِ

۱۲ - أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْأَشْعَرِيُّ، عَنِ بَعْضِ أَصْحَابِنَا، رَفَعَهُ
 عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ، قَالَ: قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ
 جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: يَا هِشَامُ، إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بَشَّرَ أَهْلَ
 الْعَقْلِ وَالْفَهْمِ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ: ﴿فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ
 يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ، فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ. أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمْ
 اللَّهُ، وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾.

هشام بن حکم نقل کرده است که امام موسی کاظم علیه السلام
 به من فرمودند: ای هشام، خدای تعالی در کتابش به اهل
 عقل و فهم بشارت داده و فرموده است: ﴿پس به بندگان
 من بشارت ده، آنان که به [این] سخن، گوش فرا می دهند،
 و به بهترین نحو از آن پیروی می کنند. آنان همان کسانی
 هستند که خدا هدایتشان کرده است و آنان همان صاحبان
 خرد هستند﴾.

يا هِشامُ، إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَكْمَلَ لِلنَّاسِ الْحُجَجَ بِالْعُقُولِ، وَ
 نَصَرَ النَّبِيِّينَ بِالْبَيَانِ، وَ دَلَّهُمْ عَلَى رُبُوبِيَّتِهِ بِالْأَدِلَّةِ فَقَالَ: ﴿وَ
 إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ. لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ. إِنَّ فِي خَلْقِ
 السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَالْفُلْكِ
 الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ، وَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ
 السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ، فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا، وَ بَثَّ فِيهَا
 مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ، وَ تَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ
 السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، آيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ.﴾^۲

ای هشام، خدای تعالی حجت‌ها را با عقل برای مردم کامل
 کرده، و پیامبران را با بیان یاری نموده، و همه‌ی آنان را با
 دلایل [محکم]، بر ربوبیت خویش رهنمون ساخته و
 فرموده است: ﴿و معبود شما معبودی یکتاست. معبودی
 جز او نیست. بخشاینده و مهربان است. به یقین در خلقت
 آسمان‌ها و زمین، و در آمد و شد شب و روز، و در
 کشتی‌هایی که در دریا برای آن‌چه به مردم سود می‌رساند در
 حرکتند، و در آبی که خدا از آسمان فرود فرستاده سپس زمین
 را بعد از مرگش به وسیله‌ی آن زنده نموده و هر جنبنده‌ای را
 در آن پخش کرده است، و در گردش باد و در ابری که بین

آسمان و زمین رام گشته است، نشانه‌هایی برای مردمانی است که عقلشان را به کار می‌گیرند. ﴿

يا هِشَامُ، قَدْ جَعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ دَلِيلًا عَلَى مَعْرِفَتِهِ بِأَنَّ لَهُمْ مُدَبَّرًا. فَقَالَ: ﴿وَسَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ، وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ. وَ النَّجْمَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ. إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ.﴾^٣ وَ قَالَ: ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ، ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ، ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ، ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا، ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشَدَّكُمْ، ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخًا، وَ مِنْكُمْ مَنْ يُتَوَقَّى مِنْ قَبْلِ، وَ لِتَبْلُغُوا أَجَلَ مُسَمًّى، وَ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ.﴾^٤ وَ قَالَ: ﴿إِنَّ فِي... اِخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ، وَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا، وَ تَصْرِيْفِ الرِّيَّاحِ وَ السَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ، لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ.﴾^٥ وَ قَالَ: ﴿يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا؛ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ؛ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ.﴾^٦ وَ قَالَ: ﴿وَ جَنَاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ، وَ زُرْعٍ، وَ نَخِيلٍ صِنَوَانٍ وَ غَيْرُ صِنَوَانٍ، يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ، وَ نُفَضَّلُ بَعْضَهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأَكْلِ. إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ.﴾^٧ وَ قَالَ: ﴿وَ مِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمْ الْبَرْقَ خَوْفًا وَ طَمَعًا، وَ يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً، فَيُحْيِي بِهِ

الأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا؛ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ. ﴿٨﴾ وَ
 قَالَ: ﴿قُلْ: تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ: أَلَّا تُشْرِكُوا
 بِهِ شَيْئًا، وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا، وَ لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ
 إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَ إِيَّاهُمْ، وَ لَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا
 ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ، وَ لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا
 بِالْحَقِّ؛ ذَلِكَ وَ صَاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ. ﴿٩﴾ وَ قَالَ:
 ﴿هَلْ لَكُمْ مِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ شُرَكَاءَ فِي مَا
 رَزَقْنَاكُمْ، فَأَنْتُمْ فِيهِ سَوَاءٌ تَخَافُونَهُمْ كَخِيفَتِكُمْ
 أَنْفُسَكُمْ؟﴾ كَذَلِكَ نَفْصَلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ. ﴿١٠﴾

ای هشام، خدا آن (عقل) را راهنمای شناخت خویش قرار
 داده است به این صورت که [عقل می فهمد] آنان گرداننده و
 مدبری دارند. لذا فرمود: ﴿و شب و روز و خورشید و ماه را
 برای شما رام گردانید، و ستارگان رام فرمان او هستند، به
 یقین در این [مسأله] نشانه‌هایی است برای مردمانی که خرد
 می‌ورزند.﴾

و فرمود: ﴿او کسی است که شما را از یک خاکی سپس از
 یک نطفه‌ای و سپس از یک علقه‌ای آفرید. سپس شما را
 خارج کرد [ابتدا] به شکل نوزادی، سپس برای آن که به

سن جوانی [و قدرت] برسید و سپس برای این که به سن پیری برسید، و [البته] عده‌ای از شما قبل از پیری از دنیا می‌روند و [بالاخره] تا به آن موعد مرگ مشخص (مرگ) برسید، و چه بسا عقلتان را به کار گیرید. ﴿

و فرمود: ﴿به یقین در... آمد و شد شب و روز و آن رزقی که خدا از آسمان فرو فرستاده است که زمین را به وسیله‌ی آن بعد از مرگ زنده می‌گرداند، و در گردش باد و در ابر که بین آسمان و زمین رام شده، نشانه‌هایی است برای مردمانی که عقلشان را به کار گیرند. ﴿

و فرمود: ﴿زمین را بعد از مرگش زنده می‌گرداند؛ آیات را برای شما روشن ساخته‌ایم، بلکه شما عقلتان را به کار گیرید﴾

و فرمود: ﴿[و در زمین است...]. باغ‌هایی از انگور و کشتزار و درختان خرمایی تک ریشه و چند ریشه، که با یک آب سیراب می‌شوند، و برخی خوردنی‌های آن درختان را بر دیگری برتری داده‌ایم. به یقین در آن نشانه‌هایی است برای مردمانی که عقلشان را به کار می‌گیرند﴾

و فرمود: ﴿و از نشانه‌های او این است که [رعد و] برق را به شما نشان می‌دهد تا هم بترسید و هم امیدوار شوید. و از آسمان آبی فرو می‌فرستد که زمین را بعد از مرگش به

وسیله‌ی آن زنده می‌گرداند. به یقین، در آن نشانه‌هایی است برای مردمانی که عقلشان را به کار می‌گیرند. ﴿

و فرمود: ﴿بگو: بیایید آن چه را که خدایتان بر شما حرام کرده است بشمارم: این که هیچ چیزی را شریک او قرار ندهید، و نسبت به پدر و مادر نیکی کنید، و فرزندان را به خاطر تنگ‌دستی نکشید، ما هم خود شما و هم آنان را روزی می‌دهیم. و کارهای زشت مرتکب نشوید چه آشکارا چه پنهانی، و کسی را که خدا جانش را محترم شمرده است مگر به حق نکشید. این‌هاست که خدا شما را به آن سفارش نموده است شاید که عقلتان را به کار گیرید. ﴿

و فرمود: ﴿آیا [مگر] از بردگانتان کسی را دارید که در آن چه [که از اموال] به شما روزی کرده‌ایم شریک شما باشد [طوری] که شما و آن برده در آن [اموال] با هم برابر باشید و شما از او همان‌گونه بترسید که از یکدیگر [که برده نیستید] می‌ترسید؟ این چنین نشانه‌ها را برای مردمانی که عقلشان را به کار می‌گیرند شرح می‌دهیم. ﴿

یا هِشَامُ، ثُمَّ وَعَظَ أَهْلَ الْعَقْلِ وَ رَغَبَهُمْ فِي الْآخِرَةِ. فَقَالَ:
﴿وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ لَلدَّارِ الْآخِرَةُ خَيْرٌ
لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ؟﴾

ای هشام، سپس خدا مردمان عاقل را پند داده و آنان را به آخرت تشویق کرده و فرموده است: ﴿و زندگی دنیا جز بازیچه و سرگرمی نیست. و خانه‌ی آخرت است که برای کسانی که تقوا پیشه می‌کنند بهتر است. پس آیا عقلتان را به کار نمی‌اندازید؟!﴾

یا هِشامُ، ثُمَّ خَوَّفَ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ، عِقَابَهُ. فَقَالَ تَعَالَى: ﴿ثُمَّ دَمَّرْنَا الْآخِرِينَ. وَإِنَّكُمْ لَتَمُرُّونَ عَلَيْهِمْ مُصْبِحِينَ. وَ بِاللَّيْلِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ؟!﴾^{۱۲} وَ قَالَ: ﴿إِنَّا مُنْزِلُونَ عَلَى أَهْلِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ. وَ لَقَدْ تَرَكْنَا مِنْهَا آيَةً بَيِّنَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ.﴾^{۱۳}

ای هشام، سپس کسانی را که عقلشان را به کار نمی‌اندازند، از کیفر خویش ترسانده و فرموده است: ﴿سپس دیگران را نابود کردیم. و شما حتماً گذرتان در صبحگاهان و [حتی] در شب بر [ویرانه‌ی] آنان افتاده است. پس آیا عقلتان را به کار نمی‌اندازید؟!﴾

و فرمود: ﴿ما نازل‌کننده‌ی عذابی از آسمان هستیم بر مردمان این شهر به خاطر این که تباہکاری می‌کردند. و از آن [شهر] به یقین نشانه‌ای آشکار برای مردمانی که عقلشان را به کار می‌گیرند، باقی گذاشتیم.﴾

یا هِشامُ، إِنَّ العَقلَ مَعَ العِلمِ. فَقالَ: ﴿ وَ تِلْكَ الأَمْثالُ
نَضْرِبُها لِلنَّاسِ وَ ما يَعرِفُها إِلاَّ العالِمُونَ. ﴾^{۱۴}

ای هشام، عقل با علم همراه است زیرا که خدا فرمود: ﴿
آن داستان‌ها را برای مردم بیان کنیم و کسی جز عالمان
عقلش را در خصوص آن‌ها به کار نمی‌گیرد.﴾

یا هِشامُ، ثُمَّ ذَمَّ الذِّینَ لا یَعْقِلُونَ. فَقالَ: ﴿ وَ إِذا قیلَ لَهُمُ:
اتَّبِعُوا ما أَنْزَلَ اللهُ! قالوا: بَلْ نَتَّبِعُ ما أَلْفینا عَلَیْهِ آباءُنا. أَوْ
لَوْ كانَ آباؤُهُمْ لا یَعْقِلُونَ شَیْئاً وَ لا یَهْتَدُونَ؟ ﴾^{۱۵} وَ قالَ:
﴿ وَ مَثَلُ الذِّینَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الذِّی یَنعِقُ بِما لا یَسْمَعُ إِلاَّ
دُعاءً وَ نِداءً؛ صُمٌّ بكم عُمی، فَهُم لا یَعْقِلُونَ. ﴾^{۱۶} وَ قالَ:
﴿ وَ مِنْهُم مَن یَسْتَمِعُ إِلَیْكَ ﴾^{۱۷}، ﴿ أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ؟ وَ لَوْ
كانوا لا یَعْقِلُونَ! ﴾^{۱۸} وَ قالَ: ﴿ أَمْ تَحسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ
یَسْمَعُونَ أَوْ یَعْقِلُونَ؟! إِنَّ هُمْ إِلاَّ كالأَنْعامِ؛ بَلْ هُمْ أَضَلُّ
سَبیلاً. ﴾^{۱۹} وَ قالَ: ﴿ لا یُقَاتِلُونَكُم جَمیعاً إِلاَّ فی قَرى
مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَراءِ جُدُرٍ؛ بِأَسْهُمَ بَینَهُم شَدیدٌ؛ تَحسَبُهُم
جَمیعاً وَ قُلوبُهُم شَتى. ذلِكَ بِأَنَّهُم قَوْمٌ لا یَعْقِلُونَ. ﴾^{۲۰} وَ
قالَ: ﴿ وَ تَنسَوْنَ أَنْفُسَكُم وَ أَنْتُمْ تَتْلُونَ الكِتابَ! أَفَلا
تَعْقِلُونَ؟! ﴾^{۲۱}

ای هشام، سپس کسانی را که عقلشان را به کار نمی‌بندند، نکوهش کرده و فرمود: ﴿و هنگامی که به آنان گفته می‌شود: از آن چه خدا فرو فرستاده است تبعیت کنید! می‌گویند: [نخیر] بلکه ما از آن چه پدرانمان را بر آن یافتیم تبعیت می‌کنیم. آیا اگر چه پدرانشان عقلشان را در خصوص چیزی به کار نمی‌گرفتند و هدایت نشده بودند؟!﴾
 و فرمود: ﴿و داستان کسانی که کافر شده‌اند، داستان کسی است که بانگ بر سر چهارپایی زند که جز آوا و صدایی نمی‌شنود. [آنان] یک عده کر و لال و کور هستند که عقلشان را به کار نمی‌گیرند.﴾

و فرمود: ﴿و عده‌ای از آنان به تو گوش فرا می‌دهند، ولی آیا تو چیزی به افراد کر می‌شنوانی؟ گرچه آنان عقلشان را به کار نمی‌گرفتند.﴾

و فرمود: ﴿یا [شاید] تصور کرده‌ای که بیشتر آنان می‌شنوند و عقلشان را به کار می‌گیرند؟! [نه] آن‌ها جز چهارپا هیچ نیستند، بلکه از جهت راه یافتن [به سمت هدایت] گمراه‌ترند.﴾

و فرمود: ﴿آنان دسته جمعی با شما نخواهند جنگید، مگر در شهرهای محصور یا از پشت دیوار. قدرتشان [تنها] در میان خودشان زیاد است، تو آنان را متحد می‌پنداری اما

دل‌هایشان پراکنده است. این به خاطر آن است که آنان مردمانی هستند که عقلشان را به کار نمی‌گیرند. ﴿ و فرمود: ﴿[آیا مردم را به کارهای خوب امر می‌کنید] و خودتان را فراموش می‌کنید در حالی که این کتاب را تلاوت می‌کنید؟! آیا عقلتان را به کار نمی‌بندید؟!﴾

يا هِشامُ، ثُمَّ ذَمَّ اللهُ الْكَثْرَةَ. فَقَالَ: ﴿وَإِنْ تُطِيعَ أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللهِ.﴾^{۲۲} وَقَالَ: ﴿وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ: مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ؟ لَيَقُولَنَّ: اللهُ! قُلِ: الْحَمْدُ لِلَّهِ. بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ.﴾^{۲۳} وَقَالَ: ﴿وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ: مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهَا؟ لَيَقُولَنَّ: اللهُ! قُلِ: الْحَمْدُ لِلَّهِ. بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ.﴾^{۲۴}

ای هشام، سپس خدا کثرت و زیادی را نکوهش نموده و فرموده است: ﴿اگر از بیشتر کسانی که در زمین هستند پیروی کنی، آنان تو را از راه خدا گمراه می‌کنند.﴾ و فرموده: ﴿و اگر از آنان پرسشی چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفرید؟ به یقین می‌گویند: خدا! بگو: خدا را شکر! بلکه بیشترشان نمی‌دانند.﴾

و فرموده: ﴿و اگر از آنان پرسی، چه کسی از آسمان آبی فرو فرستاد که زمین را بعد از مرگش با آن زنده کرد؟ به یقین پاسخ خواهند داد: خدا! بگو: خدا را شکر! بلکه بیشتر آنان عقلشان را به کار نمی‌اندازند.﴾

يا هِشامُ، ثُمَّ مَدَحَ الْقِلَّةَ. فَقَالَ: ﴿وَ قَلِيلٌ مِنْ عِبَادِي الشَّكُورِ.﴾^{۲۵} وَ قَالَ: ﴿وَ قَلِيلٌ مَا هُمْ﴾^{۲۶} وَ قَالَ: ﴿وَ قَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ: أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ؟!﴾^{۲۷} وَ قَالَ: ﴿وَ مَنْ آمَنَ وَ ما آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ.﴾^{۲۸} وَ قَالَ: ﴿وَ لَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾^{۲۹} وَ قَالَ: ﴿وَ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ﴾^{۳۰} وَ قَالَ: «وَ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ»^{۳۱}.

ای هشام، سپس خدا قلت و کمی را ستوده و فرموده است: ﴿و اندکی از بندگان من شکرگزارند﴾ و فرمود: ﴿[مگر کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام دادند] که کم هستند آنان.﴾ و فرمود: ﴿و یک مرد با ایمانی از فرعونیان که ایمانش را پنهان می‌کرد، گفت: آیا کسی را به خاطر این که می‌گوید پروردگار من خداست، می‌کشید؟﴾ و فرمود: ﴿[بدو گفتیم...] و کسانی که ایمان آورده‌اند [را بر کشتی

سوار کن] و جز عده‌ی کمی، کسی به همراه او ایمان نیاورده بود. ﴿ و فرمود: ﴿ ولی بیشتر آنان نمی‌دانند. ﴿ و فرمود: ﴿ و بیشتر آنان عقلشان را به کار نمی‌اندازند. ﴿ و فرمود: ((و بیشترشان نمی‌فهمند.))

یا هِشَامُ، ثُمَّ ذَكَرَ أُولِي الْأَلْبَابِ بِأَحْسَنِ الذِّكْرِ، وَ حَلَّاهُمْ بِأَحْسَنِ الْحَلِيَّةِ: فَقَالَ: ﴿ يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ؛ وَ مَنْ يُؤْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا. وَ مَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُوا الْأَلْبَابِ. ﴿ ۳۲ وَ قَالَ: ﴿ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ: آمَنَّا بِهِ، كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا. وَ مَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُوا الْأَلْبَابِ. ﴿ ۳۳ وَ قَالَ: ﴿ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ، وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ، لآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ. ﴿ ۳۴ وَ قَالَ: ﴿ أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ، كَمَنْ هُوَ أَعْمَى؟ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ. ﴿ ۳۵ وَ قَالَ: ﴿ أَمَّنْ هُوَ قَانِثٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَ قَائِمًا يُحْذِرُ الْآخِرَةَ وَ يَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ؟ قُلْ: هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ؟! إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ. ﴿ ۳۶ وَ قَالَ: ﴿ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَ لِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ. ﴿ ۳۷ وَ قَالَ:

هُدًى وَ ذِكْرٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿٣٨﴾ وَ قَالَ: ﴿وَ ذَكَّرَ فَإِنَّ
الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ ﴿٣٩﴾

ای هشام، سپس خدا «صاحبان خرد» را به بهترین شکل یاد کرده و با بهترین زینت آراسته و فرموده است: ﴿حکمت را به هر کس که بخواهد عطا می‌کند، و کسی که حکمت به او داده شود، خیر فراوانی به او داده شده است. و جز صاحبان خرد متذکر نمی‌شوند﴾ و فرموده: ﴿و آنان که در دانش استوار هستند، [همگی] می‌گویند: به آن ایمان آوردیم، همه از جانب پروردگار ماست. و جز صاحبان خرد متذکر نمی‌شوند﴾. و فرموده: ﴿به یقین در خلقت آسمان‌ها و زمین و در آمد و شد شب و روز، نشانه‌هایی برای صاحبان خرد هست﴾. و فرموده: ﴿پس آیا کسی که می‌داند آن چه از جانب پروردگارت بر تو نازل گشته است جز حق نیست، مانند کسی است که کور است؟ تنها صاحبان خرد متذکر می‌شوند﴾. و فرموده: ﴿... یا کسی که در طول شب در حال سجده و ایستاده، به نیایش با خدا مشغول است و مراقب آخرت بوده و امید به رحمت پروردگارش دارد؟ بگو آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند برابرند؟ تنها صاحبان خرد متذکر می‌شوند﴾ و

فرموده: ﴿ کتابی با برکت است که ما آن را بر تو نازل کردیم، تا آنان در آیاتش تدبّر کنند و تا صاحبان خرد متذکر شوند ﴾. و فرموده: ﴿ و یادآوری بنما که تذکر برای مؤمنین فایده دارد. ﴾

یا هِشامُ، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ فِي كِتَابِهِ: ﴿ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ ﴾. ۱۰ « يَعْنِي: عَقْلٌ. وَ قَالَ: ﴿ وَ لَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ ۱۱ قَالَ: الْفَهْمَ وَ الْعَقْلَ.

ای هشام، خدای تعالی در کتابش می‌فرماید: ﴿ در این [سخن] به یقین تذکری است برای کسی که قلب دارد. ﴾ ﴿ مراد از قلب عقل است. و خدا فرموده: ﴿ و ما به لقمان حکمت داده‌ایم. ﴾ ﴿ حضرت می‌فرمایند: [منظور این است که] فهم و عقل [داده‌ایم].

یا هِشامُ، إِنَّ لُقْمَانَ قَالَ لِابْنِهِ: تَوَاضَعْ لِلْحَقِّ تَكُنْ أَعْقَلَ النَّاسِ، وَ إِنَّ الْكَيْسَ لَدَى الْحَقِّ يَسِيرٌ. يَا بُنَيَّ إِنَّ الدُّنْيَا بَحْرٌ عَمِيقٌ قَدْ غَرِقَ فِيهَا عَالَمٌ كَثِيرٌ؛ فَلْتَكُنْ سَفِينَتَكَ فِيهَا تَقْوَى اللَّهَ، وَ حَشْوَهَا الْإِيمَانَ، وَ شِرَاعَهَا التَّوَكُّلَ، وَ قَيْمَهَا الْعَقْلَ، وَ دَلِيلَهَا الْعِلْمَ، وَ سُكَّانَهَا الصَّبْرَ.

ای هشام، لقمان به پسرش گفت: نسبت به [سخن] حق

فروتی کن، عاقل‌ترین مردم خواهی بود، و انسان زرنگ در مقابل حق هموار است. پسرکم، دنیا دریای عمیقی است که بسیاری از خلائق در آن غرق شده‌اند؛ بنابر این کشتی تو در این دریا باید تقوای الهی و بارش ایمان و بادبانش توکل و ناخدایش عقل و دیدبانش علم و سُگانش صبر باشد.

یا هِشامُ، إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ دَلِيلًا؛ وَ دَلِيلُ الْعَقْلِ التَّفَكُّرُ، وَ دَلِيلُ التَّفَكُّرِ الصَّمْتُ. وَ لِكُلِّ شَيْءٍ مَطِيَّةٌ؛ وَ مَطِيَّةُ الْعَقْلِ التَّوَضُّعُ. وَ كَفَى بِكَ جَهْلًا أَنْ تَرْكَبَ مَا نُهِيتَ عَنْهُ.

ای هشام، هر چیزی راهنما و نشانه‌ای دارد، و راهنمای عقل تفکر و راهنمای تفکر سکوت است. و هر چیزی مرکبی دارد و مرکب عقل فروتنی است. و در نادانی تو را همین بس که مرتکب کاری شوی که از آن نهی شده‌ای.

یا هِشامُ، مَا بَعَثَ اللَّهُ أَنْبِيَاءَهُ وَ رُسُلَهُ إِلَى عِبَادِهِ إِلَّا لِيَعْقِلُوا عَنِ اللَّهِ؛ فَأَحْسَنُهُمْ اسْتِجَابَةً أَحْسَنُهُمْ مَعْرِفَةً، وَ أَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ أَحْسَنُهُمْ عَقْلًا، وَ أَكْمَلُهُمْ عَقْلًا أَرْفَعُهُمْ دَرَجَةً فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.

ای هشام، خدای متعال پیامبران و فرستادگانش را به سوی بندگان نفرستاد مگر برای آن که عقلشان را از جانب خدا به کار گیرند. بنابر این، بهترین آنان در پاسخ به دعوت [خدا]، بهترین آنان است در شناخت [او]، و داناترین آنان به دستور خدا، بهترین آنان در به کارگیری عقل است. و کامل‌ترین آنان در عقل، بالاترین درجه را در دنیا و آخرت دارد.

يا هِشامُ إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ؛ حُجَّةَ ظَاهِرَةً، وَ حُجَّةَ بَاطِنَةً. فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فالرُّسُلُ وَ الأنبياءُ وَ الأئِمَّةُ عليهم السَّلَامُ، وَ أَمَّا البَاطِنَةُ فالعُقُولُ.

ای هشام، خدا دو حجت بر مردم دارد، یکی حجتی است آشکار و بیرونی، و دیگری حجتی پنهان و درونی. اما آن حجت آشکار و بیرونی پیامبران و فرستادگان الهی و امامان عليهم السَّلَام هستند. و اما آن حجت باطنی عقل است.

يا هِشامُ، إِنَّ العَاقِلَ الَّذِي لا يَشغُلُ الحَلالُ شُكْرَهُ، وَ لا يَغلبُ الحُرَامُ صَبْرَهُ.

ای هشام، عاقل آن کسی است که [امور] حلال او را از ادای شکر باز نمی‌دارد، و [امور] حرام بر صبر و تحمل او چیره نمی‌شود.

يَا هِشَامُ، مَنْ سَلَطَ ثَلَاثًا عَلَى ثَلَاثٍ فَكَأَنَّمَا أَعَانَ عَلَى هَدْمِ عَقْلِهِ؛ مَنْ أَظْلَمَ نَوْراً تَفَكَّرَهُ بِطُولِ أَمَلِهِ، وَ مَحَا طَرَائِفَ حِكْمَتِهِ بِفُضُولِ كَلَامِهِ، وَ أَظْفَأَ نَوْراً عِبْرَتِهِ بِشَهَوَاتِ نَفْسِهِ، فَكَأَنَّمَا أَعَانَ هَوَاهُ عَلَى هَدْمِ عَقْلِهِ. وَ مَنْ هَدَمَ عَقْلَهُ أَفْسَدَ عَلَيْهِ دِينَهُ وَ دُنْيَاهُ.

ای هشام، کسی که سه چیز را بر سه چیز مسلط کند، مانند آن است که به نابودی عقل خویش کمک کرده است: کسی که نور تفکرش را به آرزوی درازش تیره سازد، و سخنان درست و حکیمانه‌اش را با زیاده سخن گفتنش محو کند، و نور عبرت گرفتنش را با خواسته‌های نفسش خاموش گرداند. چنین کسی انگار هوای نفسش را کمک کرده است که عقلش را نابود سازد. و کسی که عقلش را نابود سازد، دین و دنیایش را بر سر خویش خراب کرده است.

يَا هِشَامُ، كَيْفَ يَزُكُو عِنْدَ اللَّهِ عَمَلُكَ وَ أَنْتَ قَدْ شَغَلْتَ قَلْبَكَ عَنْ أَمْرِ رَبِّكَ، وَ أَطَعْتَ هَوَاكَ عَلَى غَلْبَةِ عَقْلِكَ؟

ای هشام، چگونه نزد خدا عمل تو پاک و پاکیزه باشد، در حالی که قلبت از فرمان پروردگار غافل است، و هوای نفست را برای غلبه بر عقلت اطاعت کرده‌ای؟

يَا هِشَامُ، الصَّبْرُ عَلَى الْوَحْدَةِ عَلَامَةٌ قُوَّةِ الْعَقْلِ؛ فَمَنْ عَقَلَ عَنِ اللَّهِ اعْتَزَلَ أَهْلَ الدُّنْيَا وَالرَّاعِبِينَ فِيهَا، وَرَغِبَ فِيهَا عِنْدَ اللَّهِ، وَكَانَ اللَّهُ أُنْسَهُ فِي الْوَحْشَةِ، وَصَاحِبَهُ فِي الْوَحْدَةِ، وَغِنَاهُ فِي الْعَيْلَةِ، وَمُعِزَّهُ مِنْ غَيْرِ عَشِيرَةٍ.

ای هشام، صبر و تحمل بر تنهایی، نشانه‌ی قدرت عقل است. بنابر این اگر کسی به فهم درست از جانب خدا درآید، از مردم دنیا و کسانی که دل به دنیا بسته‌اند، کناره می‌گیرد و دل به آن چه نزد خداست، می‌بندد. و خدا انس اوست در هنگام ترس، و همنشین اوست در لحظات تنهایی و ثروت اوست در زمان تنگدستی، و عزیزکننده‌ی اوست بدون این که کس و کاری داشته باشد.

يَا هِشَامُ، نُصِبَ الْحَقُّ لِبَطَاعَةِ اللَّهِ؛ وَلَا نَجَاةَ إِلَّا بِالطَّاعَةِ، وَالطَّاعَةُ بِالْعِلْمِ، وَالْعِلْمُ بِالتَّعَلُّمِ، وَالتَّعَلُّمُ بِالْعَقْلِ يُعْتَقَدُ. وَلَا عِلْمَ إِلَّا مِنْ عَالِمٍ رَبَّانِيٍّ. وَمَعْرِفَةُ الْعِلْمِ بِالْعَقْلِ.

ای هشام، حق برای اطاعت خدا برپا شده است. و جز به وسیله‌ی اطاعت، کسی نجات نمی‌یابد. و اطاعت با علم و آگاهی انجام می‌شود. و علم با علم آموزی و تعلّم به دست می‌آید، و علم آموزی و تعلّم به وسیله‌ی عقل است که محکم می‌گردد. و هیچ علمی نیست مگر از عالمی الهی گرفته شود. و شناخت علم با عقل انجام می‌شود.

يَا هِشَامُ، قَلِيلُ الْعَمَلِ مِنَ الْعَالِمِ مَقْبُولٌ مُضَاعَفٌ، وَ كَثِيرُ الْعَمَلِ مِنْ أَهْلِ الْهَوَىٰ وَالْجَهْلِ مَرْدُودٌ.

ای هشام، عمل کم، اما از فرد دانا، مورد قبول و دو چندان است، و عمل زیاد اما از اهل هوا و هوس و نادانان، مردود است.

يَا هِشَامُ، إِنَّ الْعَاقِلَ رَضِيَ بِالذَّوْنِ مِنَ الدُّنْيَا مَعَ الْحِكْمَةِ، وَ لَمْ يَرْضَ بِالذَّوْنِ مِنَ الْحِكْمَةِ مَعَ الدُّنْيَا؛ فَلِذَلِكَ رَجَحَتْ تِجَارَتُهُمْ.

ای هشام، عاقل به کمترین حد دنیا اما با حکمت راضی است، و به اندکی از حکمت، با همه‌ی دنیا هم ناراضی است. به همین دلیل است که تجارتشان سود می‌دهد.

يا هِشامُ، إِنَّ العُقلاءَ تَرَكوْا فُضولَ الدُّنيا فَكَيْفَ الدُّنوبَ، وَ تَرَكَ الدُّنيا مِنَ الفُضْلِ، وَ تَرَكَ الدُّنوبَ مِنَ الفَرِضِ.

ای هشام، عاقلان اضافات دنیا را هم رها کرده‌اند چه رسد به گناهان، حال آن که رها کردن دنیا از مستحبات است و ترک گناهان از واجبات.

يا هِشامُ، إِنَّ العاقِلَ نَظَرَ إِلى الدُّنيا وَ إِلى أَهْلِها، فَعَلِمَ أَنَّها لا تُنالُ إِلاّ بِالمَشَقَّةِ. وَ نَظَرَ إِلى الآخِرَةِ، فَعَلِمَ أَنَّها لا تُنالُ إِلاّ بِالمَشَقَّةِ. فَطَلَبَ بِالمَشَقَّةِ أَبْقاها.

ای هشام، عاقل به دنیا و مردم دنیا نگاه کرده، دانسته است که دنیا جز با مشقت به دست نمی‌آید. و به آخرت نگاه کرده، و دانسته است که [آن نیز] جز با مشقت به دست نمی‌آید. بنابر این [بین این دو مشقت] آن یکی را خواهان شده، که بقای بیشتری دارد.

يا هِشامُ، إِنَّ العُقلاءَ زَهَدوا في الدُّنيا، وَ رَغَبوا في الآخِرَةِ؛ لِأَنَّهم عَلموا أَنَّ الدُّنيا طالِبَةٌ مَطلوبَةٌ، وَ الآخِرَةُ طالِبَةٌ وَ مَطلوبَةٌ. فَمَنْ طَلَبَ الآخِرَةَ طَلَبْتُهُ الدُّنيا، حَتَّى يَسْتَوِيَ

مِنْهَا رِزْقُهُ. وَ مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا طَلَبَتْهُ الْآخِرَةُ، فَيَأْتِيهِ
الْمَوْتُ، فَيُفْسِدُ عَلَيْهِ دُنْيَاهُ وَ آخِرَتَهُ.

ای هشام، عاقلان به دنیا بی‌رغبت‌اند، و دل به آخرت بسته دارند. زیرا آنان دانسته‌اند که دنیا طلب‌کننده و طلب‌شونده، و آخرت نیز طلب‌کننده و طلب‌شونده است. کسی که آخرت را طلب می‌کند، دنیا او را طلب می‌کند، تا آن‌که رزق و روزی‌اش را از دنیا برچیند، و کسی که دنیا را طلب می‌کند، مرگ خواهد رسید و دنیا و آخرت او را تباه خواهد ساخت.

يَا هِشَامُ، مَنْ أَرَادَ الْغِنَى بِمَا لَمْ يَكُنْ يَحْتَاجُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي
الْحُسْدِ، وَ السَّلَامَةِ فِي الدِّينِ، فَلْيَتَضَرَّعْ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي
مَسْأَلَتِهِ بِأَنْ يُكَمِّلَ عَقْلَهُ. فَمَنْ عَقَلَ قَنَعَ بِمَا يَكْفِيهِ، وَ
مَنْ قَنَعَ بِمَا يَكْفِيهِ اسْتَعْنَى. وَ مَنْ لَمْ يَقْنَعْ بِمَا يَكْفِيهِ لَمْ
يُذْرِكِ الْغِنَى أَبَدًا.

ای هشام، کسی که بخواهد بدون مال بی‌نیاز باشد، و بخواهد قلبش از حسادت آزاد شود، و بخواهد در دینش سالم بماند، باید در راز و نیازش با خدا زاری کرده از خدا بخواهد که عقلش را کامل گرداند. زیرا کسی که عاقل

شود، به آن چه برایش کافی است قانع خواهد بود، و کسی که به آن چه برایش کافی است قانع شود، بی‌نیاز خواهد بود. و کسی که به آن چه برایش کافی است قناعت نکند، هرگز بی‌نیازی را نخواهد چشید.

يا هِشامُ، إِنَّ اللَّهَ حَكِيٌّ عَنْ قَوْمٍ صَالِحِينَ أَنَّهُمْ قَالُوا: ﴿ رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا، وَ هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً؛ إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ﴾^{۲۴} حِينَ عَلِمُوا أَنَّ الْقُلُوبَ تَزِيغُ، وَ تَعُودُ إِلَى عَمَاهَا وَ رَدَاهَا. إِنَّهُ لَمْ يَخْفِ اللَّهُ مَنْ لَمْ يَعْقِلْ عَنِ اللَّهِ، وَ مَنْ لَمْ يَعْقِلْ عَنِ اللَّهِ لَمْ يَعْقِدْ قَلْبَهُ عَلَى مَعْرِفَةٍ ثَابِتَةٍ يُبْصِرُهَا، وَ يَجِدُ حَقِيقَتَهَا فِي قَلْبِهِ. وَ لَا يَكُونُ أَحَدٌ كَذَلِكَ إِلَّا مَنْ كَانَ قَوْلُهُ لِفِعْلِهِ مُصَدِّقًا، وَ سِرُّهُ لِعَلَانِيَتِهِ مُوَافِقًا؛ لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يَدُلَّ عَلَى الْبَاطِنِ الْخَفِيِّ مِنَ الْعَقْلِ إِلَّا بِظَاهِرٍ مِنْهُ وَ نَاطِقٍ عِنْدَهُ.

ای هشام، خدا از نیک مردمانی نقل کرده است که آنان گفتند: ﴿ پروردگار ما، قلب‌های ما را بعد از این که هدایت کردی، منحرف مگردان و به ما رحمتی از نزد خویش عطا نما، که تویی آن بسیار بخشنده ﴾. و این زمانی است که فهمیدند قلب‌ها منحرف می‌شود، و به کوری و گمراهی

خویش باز می‌گردد. قصه از این قرار است که کسی که از جانب خدا فهم نکرده، از خدا نمی‌ترسد، و کسی که از جانب خدا عاقل نشده باشد، قلبش را نمی‌تواند بر شناختی استوار گره زند که آن شناخت را با بصیرت ببیند و حقیقت آن را در قلبش بیابد. و هیچ کس چنین نخواهد بود مگر آن کس که سخنش مؤید عملش باشد و آن چه می‌کند موافق با آشکارش باشد. زیرا خدای تبارک و تعالی، به عقلی که در درون، پنهان است، راه نمی‌نماید مگر با آنچه از آن آشکار شده، و درباره آن گویا گردیده است. (به قول شاعر: رنگ رخساره خبر می‌دهد از سر ضمیر)

يا هِشامُ، كانَ أَميرُ الْمُؤمِنينَ عليه السَّلام يَقولُ: ما عُبِدَ اللهُ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنَ العَقْلِ. وَ ما تَمَّ عَقْلُ امرئٍ حَتَّى يَكُونَ فِيهِ خِصالُ سَتِي: الكُفْرُ وَ الشَّرُّ مِنْهُ مَأْمونانِ، وَ الرُّشْدُ وَ الحَيْرُ مِنْهُ مَأْمولانِ، وَ فَضْلُ مالِهِ مَبذولٌ، وَ فَضْلُ قَوْلِهِ مَكفوفٌ، وَ نَصيبُهُ مِنَ الدُّنيا القوتُ. لا يَشْبَعُ مِنَ العِلْمِ دَهْرُهُ. الدُّلُّ أَحَبُّ إِلَيْهِ مَعَ اللهُ مِنَ العِزِّ مَعَ غَيْرِهِ، وَ التَّواضَعُ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنَ الشَّرْفِ. يَسْتَكثِرُ قَليلَ المَعروفِ مِنَ غَيْرِهِ، وَ يَسْتَقِلُّ كَثيرَ المَعروفِ مِنَ نَفْسِهِ، وَ يَرى

النَّاسَ كُلَّهُمْ خَيْرًا مِنْهُ، وَ أَنَّهُ شَرُّهُمْ فِي نَفْسِهِ، وَ هُوَ تَمَامُ
الْأَمْرِ.

ای هشام، امیرالمؤمنین علیه السَّلام می فرمود: خدای متعال با چیزی برتر از عقل پرستیده نشده است. و عقل انسان کامل نمی شود مگر در او این چند ویژگی باشد: دیگران از کفر و شرّ او در امان، و به خیر و رشد او امیدوار باشند. اضافه‌ی درآمدش را ببخشد، و زیاده‌ی سخنش را نگوید، و سهمش از دنیا، قوت (در حد نیاز) باشد. در طول زندگانی از دانش سیر نشود. خواری همراه خدا را بیش از ارجمندی همراه دیگران دوست داشته، و به فروتنی بیش از بلندمرتبگی علاقه مند باشد. نیکی کم را از دیگران زیاد بشمارد، و نیکی زیاد را از خودش کم بداند، و همه‌ی مردم را بهتر از خویش ببیند، و نزد او خویشتن بدترین مردم باشد که این تمام مطلب است.

يَا هِشَامُ، إِنَّ الْعَاقِلَ لَا يَكْذِبُ، وَإِنْ كَانَ فِيهِ هَوَاءٌ.

ای هشام، عاقل دروغ نمی گوید، گرچه میلش در آن باشد.
يَا هِشَامُ، لَا دِينَ لِمَنْ لَا مُرُوءَةَ لَهُ، وَلَا مُرُوءَةَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ. وَإِنَّ أَعْظَمَ النَّاسِ قَدْرًا الَّذِي لَا يَرَى الدُّنْيَا لِنَفْسِهِ

خَطْرًا. أَمَا إِنَّ أْبْدَانَكُمْ لَيْسَ لَهَا ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَبِيعُوهَا بِغَيْرِهَا.

ای هشام، کسی که جوانمردی در او نیست، دین ندارد، و کسی که عقل ندارد، جوانمردی در او نیست. و با ارزش‌ترین مردم آن کسی است که دنیا برایش اهمیتی نداشته باشد. بدانید که بدن‌های شما بهایی جز بهشت ندارد، پس آن را به غیر بهشت مفروشید.

يَا هِشَامُ، إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَقُولُ: إِنَّ مِنْ عِلْمَةِ الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: يُجِيبُ إِذَا سُئِلَ، وَيَنْطِقُ إِذَا عَجَزَ الْقَوْمُ عَنِ الْكَلَامِ، وَيُشِيرُ بِالرَّأْيِ الَّذِي يَكُونُ فِيهِ صَلَاحٌ أَهْلِيهِ. فَمَنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ مِنْ هَذِهِ الْخِصَالِ الثَّلَاثِ شَيْءٌ فَهُوَ أَحْمَقُّ. إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا يَجْلِسُ فِي صَدْرِ الْمَجْلِسِ إِلَّا رَجُلٌ فِيهِ هَذِهِ الْخِصَالُ الثَّلَاثُ أَوْ وَاحِدَةٌ مِنْهُنَّ. فَمَنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ شَيْءٌ مِنْهُنَّ فَجَلَسَ فَهُوَ أَحْمَقُّ.

ای هشام، امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرمود: از نشانه‌های عاقل این است که در او سه ویژگی باشد: زمانی که از او سؤال شود، پاسخ گوید، و وقتی مردم از سخن باز

می‌مانند، زبان بگشاید، و مشورتی دهد که خیر و صلاح همگان در آن باشد. پس کسی که بهره‌ای از این سه ویژگی نبرده است، بی‌عقل است. امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرمود: تنها کسی باید در بالای مجلس بنشیند که در او آن سه ویژگی یا حداقل یکی از آن‌ها باشد. کسی که هیچ کدام از آن‌ها در او نیست و بالای مجلس بنشیند، او [نیز] بی‌عقل است.

وَقَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: إِذَا طَلَبْتُمُ الْحَوَائِجَ فَاطْلُبُوهَا مِنْ أَهْلِهَا. قِيلَ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، وَمَنْ أَهْلُهَا؟ قَالَ: الَّذِينَ قَصَّ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ وَذَكَرَهُمْ، فَقَالَ: ﴿إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾.^۳ قَالَ: هُمْ أُولُو الْعُقُولِ. وَقَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: مُجَالَسَةُ الصَّالِحِينَ دَاعِيَةٌ إِلَى الصَّلَاحِ، وَآدَابُ الْعُلَمَاءِ زِيَادَةٌ فِي الْعَقْلِ، وَطَاعَةٌ وَوَلَاةُ الْعَدْلِ تَمَامُ الْعِزِّ، وَاسْتِثْمَارُ الْمَالِ تَمَامُ الْمُرُوءَةِ، وَإِرْشَادُ الْمُسْتَشِيرِ قِضَاءٌ لِحَقِّ النِّعْمَةِ، وَكَفُّ الْأَذَى مِنْ كَمَالِ الْعَقْلِ، وَفِيهِ رَاحَةُ الْبَدَنِ عَاجِلًا وَآجِلًا.

و حسن بن علی علیهما السلام فرمود: اگر حاجتی می‌خواستید، آن را از کسی بخواهید که شایسته‌ی آن باشد. گفتند: ای

فرزند رسول خدا، چه کسانی شایسته آن هستند؟ فرمود: همان کسانی که خدا در کتابش از آنان حکایت کرده و آنان را یاد فرموده و گفته است: ﴿تَهَا صَاحِبَانِ خَرْدٍ مَتَذَكَّرٍ مِی شُونَد﴾. فرمود: [صاحبان خرد] همان صاحبان عقل هستند. و علی بن الحسین علیهما السَّلَام فرمود: همنشینی با خوبان، [انسان را] به سوی خیر و صلاح می‌کشاند، و رفتار داناان، عقل [انسان] را زیاد می‌کند، و اطاعت از حاکمان عادل، عزت [انسان] را کامل می‌کند، و بهره‌برداری از مال جوانمردی [انسان] را کامل می‌کند، و راهنمایی کسی که مشورت می‌خواهد، ادا کردن حق نعمت است، و خودداری از آزار [دیگران] از سر کامل بودن عقل است، و در آینده نزدیک و دور، آسایش تن را در پی دارد.

يَا هِشَامُ، إِنَّ الْعَاقِلَ لَا يُحَدِّثُ مَنْ يَخَافُ تَكْذِيبَهُ، وَلَا يَسْأَلُ مَنْ يَخَافُ مَنَعَهُ، وَلَا يَعِدُّ مَا لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ، وَلَا يَرْجُو مَا يُعْتَفُ بِرَجَائِهِ، وَلَا يُقَدِّمُ عَلَىٰ مَا يَخَافُ فَوْتَهُ بِالْعَجْزِ عَنْهُ.

ای هشام، عاقل با کسی سخن نمی‌گوید که می‌ترسد او سخنش را دروغ بشمارد، و درخواست از کسی نمی‌کند که می‌ترسد او دست رد به سینه‌اش بزند، و وعده‌ای نمی‌دهد

که از پس آن برنیاید، و امید به چیزی نمی‌بندد که امید بستن به آن شایسته‌ی ملامت باشد، و دست به کاری نمی‌زند که می‌ترسد آن را با ناتوانیش از دست بدهد.

-
۱. الزمر (۳۹): ۱۷ و ۱۸.
 ۲. البقرة (۲): ۱۶۳ و ۱۶۴.
 ۳. النحل (۱۶): ۱۲.
 ۴. غافر (۴۰): ۶۷.
 ۵. الجاثیه (۴۵): ۵.
 ۶. الحديد (۵۷): ۱۷.
 ۷. الرعد (۱۳): ۴.
 ۸. الروم (۳۰): ۲۴.
 ۹. الأنعام (۶): ۱۵۱.
 ۱۰. الروم (۳۰): ۲۸.
 ۱۱. الأنعام (۶): ۳۲.
 ۱۲. الصافات (۳۷): ۱۳۶-۱۳۸.
 ۱۳. العنكبوت (۲۹): ۳۴ و ۳۵.
 ۱۴. العنكبوت (۲۹): ۴۳.
 ۱۵. البقرة (۲): ۱۷۰.
 ۱۶. البقرة (۲): ۱۷۱.
 ۱۷. محمد (۴۷): ۱۶.
 ۱۸. یونس (۱۰): ۴۲.
 ۱۹. الفرقان (۲۵): ۴۴.
 ۲۰. الحشر (۵۹): ۱۴.
 ۲۱. البقرة (۲): ۴۴.
 ۲۲. الأنعام (۶): ۱۱۶.

۲۳. لقمان (۳۱): ۲۵.
۲۴. العنکبوت (۲۱): ۶۳.
۲۵. سبأ (۳۴): ۱۳.
۲۶. ص (۳۸): ۲۴.
۲۷. غافر (۴۰): ۲۸.
۲۸. هود (۱۱): ۴۰.
۲۹. الأنعام (۶): ۳۷.
۳۰. المائدة (۵): ۱۰۳.
۳۱. چنین آیه‌ای در قرآن نیست. احتمالا خطای ناسخین است: ﴿... أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ﴾:
- یونس (۱۰): ۶۰.
۳۲. البقرة (۲): ۲۶۹.
۳۳. آل عمران (۳): ۷.
۳۴. آل عمران (۳): ۱۹۰.
۳۵. الرعد (۱۳): ۱۹.
۳۶. الزمر (۳۹): ۹.
۳۷. ص (۳۸): ۲۹.
۳۸. غافر (۴۰): ۵۳ و ۵۴.
۳۹. الذاریات (۵۱): ۵۵.
۴۰. ق (۵۰): ۳۷.
۴۱. لقمان (۳۱): ۱۲.
۴۲. آل عمران (۳): ۸.
۴۳. الرعد (۱۳): ۱۹.